"گابریل جوسی گارسیا مارکز" در ششم مارس ۱۹۲۸ در دهکده ی "آراکاتاکا" در منطقه ی "سانتامارا" در کلمبیا به دنیا آمد. از آنجا که پدر و مادر مارکز، فقیر و در پی تامین معاش بودند، پدر بزرگش طبق سنت رایج آن زمان، مسئولیت پرورش او را بر عهده گرفت. وی در بین مردم کشورهای "آمریکای لاتین" با نام "گابیتو" به معنای "گابریل کوچك" مشهور است.

گابریل شیفته ی همنشینی و گفتگو با پدربزرگ و داستان‌های خرافاتی مادر بزرگش شده بود.

"احساس می‌کنم که همه ی نوشته‌هایم، درباره ی تجربه های من از اجدادم است."

زمانی که او هشت ساله بود، پدربزرگش درگذشت. نابینایی مادر بزرگش هم روز به روز بیشتر می‌شد و از این رو، به "سوکری" رفت تا با خانواده ی خود زندگی کند؛ جایی که پدرش به عنوان یك داروساز سرگرم کار بود.

در سال ۱۹۶۵ شروع به نوشتن رمان "صد سال تنهایی" کرد و آن را در سال ۱۹۶۸ به پایان رساند که به باور بیشتر منتقدان، شاهکار او به شمار می‌رود. در سال۱۹۸۲، کمیته ی انتخاب جایزه ی نوبل ادبیات در کشور سوئد، به اتفاق آرا، رمان "صد سال تنهایی" را شایسته ی دریافت جایزه شناخت و این جایزه به مارکز داده شد. در پی آشنایی بهمن فرزانه - مترجم ایرانی مقیم ایتالیا- با مارکز، رمان "صد سال تنهایی" به زبان فارسی ترجمه و در ایران منتشر شد. این رمان پیش از انقلاب ۱۳۵۷شمسی در ایران بارها تجدید چاپ شد و مورد استقبال قرار گرفت، اما اکنون نزدیک به سی سال است که منتشر نشده است. مارکز یکی از نویسندگان پیشگام سبک ادبی "رئالیسم جادویی" است؛ اگرچه تمام آثارش را نمی توان در این سبک طبقه‌بندی کرد. با وجود این، منتقدان با تمرکز بر آثار او، نام "رئالیسم جادویی" را بر آن نهادند؛ نامی که او هرگز نپذیرفته است.

هم اکنون، مارکز از نام آورترین نویسندگان جهان است. او تدریس می‌کند و و با اقامت در "مکزیکو سیتی"، "کارتاگنا"، "کیورناواسا"، "پاریس" و "بارانکبولیا" به فعالیتهای سیاسی و فرهنگی می پردازد. او دهه ی ۱۹۹۰ را با انتشار رمان "ژنرال در هزارتوی خود" به پایان رساند و دو سال پس از آن هم رمان "زائر غریب" را نوشت.

او در سال ۱۹۹۴ داستانهای اخیرش را در کتاب "عشق و شیاطین دیگر" منتشر کرد. این سیر در ۱۹۹۶ با انتشار "گزارش یك آدم ربایی" ادامه یافت. کتاب اخیر اثر روزنامه نگارانه‌ای بود که دربرگیرنده ی جزییات شگرفی از تجربه های بی‌رحمانه ی مواد مخدر در کلمبیا است. این بازگشت به فعالیتهای روزنامه نگاری در ۱۹۹۹ با خرید پُر کش و قوس امتیاز نشریه ی "کامبیو" پابرجا ماند. این نشریه ابزاری برای گارسیا مارکز شد تا به اصل خویش بازگردد. امروز "کامبیو " پیشگام سیر پیشرفت مطبوعات کلمبیا است.

متاسفانه در ۱۹۹۹بیماری سرطان لنفاوی گارسیا مارکز تشخیص داده شد و تا به امروز، تحت رژیم درمانی و غذایی ویژه ای قرار دارد.

وی در سال ۱۹۹۹، "مرد سال آمریکای لاتین" شناخته شد و در سال ۲۰۰۰، مردم کلمبیا با ارسال طومارهایی خواستار پذیرش ریاست جمهوری کلمبیا از سوی مارکز بودند که او آن را رد کرد.

مارکز در کنار داستانهایش، نوشتن خاطرات را در دستور کار خود قرار داده است. نخستین جلد از رمان او با نام "زیستن برای بازگفتن" در سال ۲۰۰۱ منتشر شد که بی درنگ در نخستین چاپ خود در امریکای لاتین به فروش رفت و نخستین جلد از این اثر، تبدیل به پرفروش ترین کتاب کشورهای اسپانیایی زبان شد. نخستین جلد از این کتاب تا سال ۱۹۵۵ را تحت پوشش قرار می‌دهد و بنابر قول و برنامه ریزی مارکز، جلد دوم آن بر روی "صد سال تنهایی" متمرکز شده است.

آثار مارکز به زبان فارسی/ طوفان برگ / پاییز پدرسالار / کسی به سرهنگ نامه نمی‌نویسد/ زائران غریب/ ماجرای ارندیرا و مادربزرگ سنگدلش (داستان کوتاه)/ سفر پنهانی میگل لیتین به شیلی/ زیستن برای بازگفتن، انتشارات کاروان/ صد سال تنهایی (به اسپانیایی: Cien años de soledad)/ از عشق و شیاطین دیگر/ عشق سالهای وبا/ ساعت نحس/ خانه ی بزرگ/ وقایع‌نگاری یک قتل از پیش اعلام شده/ ژنرال در هزارتوی خویش/ بهترین داستانهای کوتاه گابریل گارسیا مارکز/یادبود دلبرکان غمگین من (به اسپانیایی: Memoria de mis putas tristes)/ یادداشت های روزهای تنهایی